**درمکتب امام**

## راه را برای ظهور منجی هموار می‌کنیم

[ما] با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی- صلی الله علیه و آله- است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق امام زمان- ارواحنا فداه- هموار می کنیم.

**صحیفه امام؛ ج۲۰؛ ص۳۴۵ | پیام به مسلمین ایران و جهان؛ ۶ مرداد ۱۳۶۶**

سرلشکر موسوی خبر داد

## تغییر دکترین دفاعی ایران بر پایه عملیات برق‌آسا و دامنه‌دار

**رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت: پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ادامه اقدامات موذیانه آمریکایی‌صهیونی، در دکترین دفاعی کشور تجدیدنظر کردیم و به دکترین آفندی نیروهای مسلح، مبتنی بر رویکرد عملیات برق‌آسا و دامنه‌دار، با اتخاذ راهبردهای نظامی ناهمگرا و کوبنده تغییر دادیم. بر این اساس، اقدام ما سریع، قاطع و به‌دور از محاسبات آمریکا خواهد بود.**

امیر سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در بازدید شبانه از آمادگی یکی از یگان‌های نیروهای مسلح، با اشاره به مقاومت ملت ایران در برابر خوی تجاوزگرانه آمریکا اظهار کرد: ملت ایران در مقابل خوی استکباری و تجاوزگری آمریکا، از گذشته تاکنون پایدار ایستاده و او را به شکست‌های پی‌درپی واداشته‌اند. از جمله در جنگ پیچیده، چندوجهی و تروریستی اخیر، محاسبات دشمن را به‌هم ریختند.

وی افزود: ملت ایران در طول این ۴۷ سال بارها ثابت کرده‌اند که ایران بلعیدنی نیست و سرانجام آن لجوجِ خیره‌سری که درس نمی‌گیرد، خفه خواهد شد. کسانی که چند ماه در شیپور فریب دمیدند و گزاره «ایران ضعیف» را ترویج کردند، حالا مجبورند یا حرف خود را پس بگیرند، یا سیلیِ منطقه‌ای قدرت ایران را دریافت کنند.

به گزارش فارس، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به تحولات سال‌های اخیر تصریح کرد: ظاهراً فراموش کرده‌اند که در سال ۵۹ مردم ایران در شرایط دشوار در مقابل دنیای کفر هشت سال ایستادند و سر آن را به سنگ کوبیدند. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، طرح بیست‌ساله آمریکا و رژیم صهیونیستی را نقش بر آب کردند و آن‌ها را شکست دادند. در فتنه دی‌ماه نیز، طرح شبه‌کودتای دشمن داعشی‌وار آمریکایی- صهیونی را ناکام گذاشتند.

وی ادامه داد: آنچه دشمنان این ملت، به‌ویژه آمریکا، باید بدانند این است که انگیزه نیروهای مسلح ما برای جنگیدن در برابر دشمن، هیچ‌گاه مانند امروز نبوده است. خون‌خواهی روز سیزدهم باقی مانده و کوچک‌ترین خطا، دست ما را برای اقدام باز خواهد کرد. دنیا چهره متفاوت ایرانِ قوی را خواهد دید؛ آنگاه هیچ آمریکایی در امنیت نخواهد بود و آتش منطقه، آمریکا و همراهانش را در خود خواهد سوزاند.

سرلشکر موسوی با اشاره به تحولات راهبردی پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه خاطرنشان کرد: اگر جنگی دربگیرد، زنان و مردان مقاومت جای پای غریبه‌ها را نیز با آتش‌درمانی از منطقه پاک خواهند کرد. وی افزود: آن‌هایی هم که از محاصره دریایی سخن می‌گویند، بهتر است یک‌بار دیگر درس‌های جغرافیا و ژئوپلیتیک را مرور کنند؛ ایران قدرتمند و وسیع، کشوری غیرقابل محاصره است.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت: پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ادامه اقدامات موذیانه آمریکایی‌صهیونی، در دکترین دفاعی کشور تجدیدنظر کردیم و به دکترین آفندی نیروهای مسلح، مبتنی بر رویکرد عملیات برق‌آسا و دامنه‌دار، با اتخاذ راهبردهای نظامی ناهمگرا و کوبنده تغییر دادیم. بر این اساس، اقدام ما سریع، قاطع و به‌دور از محاسبات آمریکا خواهد بود. وی ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران، با اتکا به وعده الهی و تکیه بر ملت مقاوم و نیروهای مسلح قدرتمند و آماده، تحت رهبری بی‌نظیر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، کوچک‌ترین غفلتی در برابر دشمنان از خود نشان نخواهد داد.

سرلشکر موسوی خاطرنشان کرد: ما فقط به پیروزی می‌اندیشیم و هیچ واهمه‌ای از سروصدای گوساله سامری و هیمنه ظاهری دشمن نداریم و برای رویارویی و زدن سیلی انتقام کاملاً آماده‌ایم.

## پیام تحول راهبردی دکترین نظامی ایران از دفاع به حمله

**رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با اعلام تغییر دکترین نظامی کشور از رویکرد صرفاً دفاعی به آفندی مبتنی بر عملیات برق‌آسا و دامنه‌دار، پیام روشن ایران به دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را تبیین کرد.**

سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در بازدید از آمادگی نیروهای مسلح با تشریح تحول راهبردی در رویکرد نظامی جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد: «دکترین آفندی نیروهای مسلح، مبتنی بر رویکرد عملیات برق‌آسا و دامنه‌دار، با اتخاذ راهبردهای نظامی ناهمگرا و کوبنده تغییر یافته است».

این اظهارات را باید نشانه‌ای روشن از گذار رسمی ایران از الگوی بازدارندگی صرفاً دفاعی به بازدارندگی فعال و هجومی دانست؛ تغییری که نه در سطح شعار، بلکه در لایه‌های عملیاتی و تسلیحاتی نیروهای مسلح نمود یافته است. دکترین جدید، بر اصل ضربه پیش‌دستانه، پاسخ سریع و توزیع‌شده و افزایش هزینه درگیری برای دشمن استوار است.

**موشک‌های ایران؛ قدرتمند، مخرب و نقطه‌زن**

تحول دکترین نظامی ایران زمانی معنادارتر می‌شود که با ظرفیت‌های واقعی عملیاتی کشور سنجیده شود. در سال‌های اخیر، ایران توسعه هدفمند توان موشکی و پهپادی خود را در چارچوب همین تغییر دکترین دنبال کرده است.

این تحول راهبردی در چارچوب توان موشکی جمهوری اسلامی ایران معنا پیدا می‌کند. در کنار توسعه موشک‌های کروز دوربرد با دقت بالا، ایران طی سال‌های اخیر طیفی متنوع از موشک‌های بالستیک تاکتیکی و عملیاتی را عملیاتی کرده است.

به گزارش فارس، خانواده «فاتح» با دقت نقطه‌زن، «ذوالفقار» و «دزفول» با برد عملیاتی تا بیش از هزار کیلومتر و موشک‌های بالستیک سوخت جامد با قابلیت آماده‌سازی سریع از این جمله هستند.

این توان، امکان اجرای عملیات برق‌آسا و دامنه‌دار را فراهم می‌کند؛ عملیاتی که در آن، دشمن با موج‌های متوالی ضربه، در زمان کوتاه و با قدرت تخریبی بالا مواجه می‌شود؛ مؤلفه‌ای که هسته اصلی دکترین آفندی جدید نیروهای مسلح را شکل می‌دهد. در کنار این ظرفیت، موشک‌های کروز زمین‌پایه مانند «هویزه» با برد بیش از ۱,۳۵۰ کیلومتر و دقت بالا، مکمل بازوی بالستیک محسوب می‌شوند و امکان هدف‌گیری مراکز حساس، پایگاه‌ها و زیرساخت‌های حیاتی دشمن را با ضریب موفقیت بالا فراهم می‌کنند.

**پهپادهای ایران ۲۰۰۰ کیلومتر دورتر از وطن**

در حوزه پهپادی نیز، سامانه‌هایی مانند «مهاجر ۱۰» با برد عملیاتی تا حدود ۲,۰۰۰ کیلومتر و مداومت پروازی ۲۴ ساعته، نشان‌دهنده تغییر نقش پهپادها از ابزار شناسایی صرف به بازیگران فعال در زنجیره حمله هستند.

این پهپادها قادر هستند همزمان مأموریت‌های اطلاعاتی، نظارتی و تهاجمی را انجام دهند و میدان نبرد را پیش از درگیری کلاسیک شکل دهند.

**ناوگان دریایی ایران؛ یک هشدار بزرگ به دشمنان**

بخش دریایی نیروهای مسلح نیز در چارچوب همین دکترین آفندی بازتعریف شده است. توسعه گسترده شناورهای تندرو، قایق‌های موشک‌انداز و سامانه‌های دریایی بدون سرنشین، امکان اجرای عملیات‌های نامتقارن، سریع و چندلایه را فراهم کرده است. این شناورها که به موشک‌های ضدکشتی، راکت‌ها و سامانه‌های پدافندی سبک مجهز هستند، با تحرک بالا و قابلیت درگیری همزمان، نقش مکمل دکترین آفندی در محیط‌های دریایی را ایفا می‌کنند.

همچنین رونمایی از ناوها و ناوشکن‌های جدید و پلتفرم‌های نوآورانه مانند کشتی‌های حامل پهپاد، بیانگر تلاش برای گسترش دامنه عمل آفندی از ساحل به آب‌های آزاد است؛ رویکردی که امکان حضور مؤثرتر و عملیات طولانی‌مدت را در سناریوهای درگیری فراهم می‌کند.

**دکترین آفندی از پهپادی و دریایی تا زرهی و هوافضا**

افزون بر این، تجهیز ارتش به حدود ۱,۰۰۰ فروند پهپاد جدید، به‌ویژه در نیروی زمینی، نشان می‌دهد که دکترین آفندی صرفاً محدود به نیروی هوافضا یا دریایی نیست، بلکه به‌صورت شبکه‌ای در تمام یگان‌ها پیاده‌سازی شده است.

این شبکه‌سازی، امکان اجرای حملات ترکیبی، پراکنده و همزمان را افزایش داده و پاسخ نظامی را از حالت خطی به الگوی چندبعدی تبدیل کرده است.

در مجموع، مجموعه این تحولات نشان می‌دهد که پیام اصلی اظهارات رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، اعلام رسمی تغییر دکترین نظامی ایران به سمت آفندی، فعال و مبتنی بر ابتکار عمل است؛ دکترینی که هدف آن نه صرفاً دفاع، بلکه ایجاد بازدارندگی از طریق توان واقعی ضربه‌زنی و تحمیل هزینه‌های سنگین به هر تهدید بالقوه است.

در پایان، تحول دکترین نیروهای مسلح ایران به آفندی، فراتر از یک تغییر لفظی یا تاکتیکی است؛ این رویکرد نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر توان موشکی، پهپادی، دریایی و آمادگی یگان‌های رزمی، ابتکار عمل را در دست دارد و هرگونه تهدید بالقوه را با هزینه‌های سنگین مواجه خواهد کرد.

این دکترین جدید، پیامِ روشنی به دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارسال می‌کند؛ ایران اکنون نه صرفاً مدافع، بلکه قدرتی فعال و بازدارنده است که در هر میدان نبرد، از ساحل تا عمق منطقه، توان پاسخ سریع و کوبنده دارد.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

# پاسخ تهدید دشمن تهدید است، مذاکره نیست

سرویس سیاسی-

**وقتی چماق تهدید پوشالی دشمن، پشت سد اقتدار ملت، مسئولان و نیروهای مسلح ایران شکست و فتنه آمریکایی- صهیونی با حماسه ۲۲ دی خاکستر شد، ترامپ دوباره دام مذاکره را پهن کرده است؛ اما پاسخ تهران به شروط چهارگانه و ذلت‌بار کاخ سفید، نه دیپلماسی التماسی، بلکه ایستادگی بر مدار منطق قدرت و بازدارندگی است.**

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور رژیم تروریست آمریکا در حالی که ناوگان جنگی خود را با هیاهوی تبلیغاتی به سمت منطقه گسیل داشته و پس از شکست‌های پی‌درپی با ژست‌های فریبکارانه از ضرورت «مذاکرات» سخن می‌گوید، همزمان دستش تا مرفق به خون مردم، فرماندهان، دانشمندان و غیورمردان این سرزمین آلوده است. آنچه امروز در کانون توجه دیده‌بانان بیدار انقلاب قرار دارد، نه هیاهوی توخالی ناوهای غول‌پیکر یانکی، بلکه «تله دیپلماتیک» و عملیات فریبی است که برای خلع سلاح ملی و بلعیدن ایران طراحی شده است. تجربه تلخ مذاکرات دهه ۹۰ و خروج یکجانبه از برجام ثابت کرد که اعتماد به وعده‌های کاخ سفید، جاده‌ای است که فرجام آن نه گشایش اقتصادی، بلکه بمباران زیرساخت‌ها و تهدید امنیت ملی است. پاسخ جمهوری اسلامی به این حجم از وقاحت و چنگ‌ودندان نشان دادن، نه نشستن پشت میز تسلیم، بلکه تکیه بر «منطق ماشه» و ایستادگی مقتدرانه است.

سیدعباس عراقچی، رئیس دستگاه دیپلماسی روز دوشنبه (۱۳ بهمن ۱۴۰۴) در مراسم تجدید میثاق کارکنان وزارت امور خارجه در حرم مطهر امام خمینی(ره) با تأکید بر هم‌افزایی میدان و دیپلماسی اشاره کرد: جمهوری اسلامی ایران همواره در کنار مقاومت، مرد دیپلماسی نیز بوده است. ما هیچ‌گاه دیپلماسی را رها نکرده‌ایم و از هیچ فرصتی برای احقاق حقوق ملت ایران نگذشته‌ایم. نیروهای مسلح و دستگاه دیپلماسی در یک سنگر قرار دارند. وی افزود: امروز پس از شکست این توطئه، دوباره همان‌ها از دیپلماسی سخن می‌گویند. ما همواره آماده گفت‌وگو بوده‌ایم، اما دیپلماسی تنها از موضع برابر، احترام متقابل و تأمین منافع ملت ایران معنا دارد.

به گزارش ایرنا، وزیر امور خارجه تأکید کرد: هر کس با احترام با ملت ایران سخن بگوید، پاسخ محترمانه دریافت می‌کند و هر کس با تهدید و زور سخن بگوید، با همان زبان پاسخ خواهد گرفت. دیپلماسی با فشار، تهدید و ارعاب سازگار نیست و جمهوری اسلامی ایران در این مسیر، با ثبات و اقتدار گام برمی‌دارد. همچنین در برخی خبرها ادعا شده است که رئیس جمهور دستور آغاز مذاکرات را صادر کرده است.

در پاسخ به این دستور، نکات مهمی را باید یادآور شد که با منافع و امنیت ملی ایران اسلامی در ارتباط است؛

**بمباران میز مذاکره؛ اعتراف ترامپ به «عملیات فریب»**

تاریخ باید با دقت بازخوانی شود تا بزک‌کنندگان چهره کریه استکبار، دوباره آدرس غلط به جامعه ندهند. ما تجربه پنج دوره مذاکره غیرمستقیم با آمریکا را پشت سر گذاشتیم. اما چه اتفاقی افتاد؟ دقیقاً در شرایطی که خوش‌خیال‌ها منتظر دور ششم مذاکرات بودند، رژیم صهیونیستی با چراغ سبز و فرمان مستقیم ترامپ، به اهداف حیاتی، مراکز حساس و دانشمندان هسته‌ای و مردم ما حمله کرد. این نه یک اتفاق، بلکه یک «راهبرد» بود. ترامپ بعدها در هواپیمای اختصاصی خود (ایرفورس وان) با وقاحتی تمام به خبرنگاران گفت: «آخرین باری که با ایران مذاکره کردیم، مجبور شدیم برنامه هسته‌ای‌شان را از کار بیندازیم اما جواب نداد. ما باید این کار را می‌کردیم.»

این مسئله، با اعتراف بعدی ترامپ از حالت فرضیه خارج شد؛ جایی که او صراحتاً در آبان ۱۴۰۴ گفت: «من مسئول حمله اسرائیل به ایران بودم».

این جمله، ترجمان همان واقعیتی است که روزنامه «وال‌استریت ژورنال» و دیگر رسانه‌های غربی به آن اذعان کردند: مذاکرات برای واشنگتن، تنها یک «عملیات فریب» جهت خرید زمان، شناسایی اهداف و انجام حملات مخرب بود. آن‌ها در حالی که لبخند می‌زدند، مختصات مراکز ما را برای بمب‌افکن‌هایشان چک می‌کردند.

**مذاکره با آمریکا هوشمندانه، عاقلانه و شرافتمندانه نیست**

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۳، با تکیه بر بصیرت و «تجربه» آب پاکی را روی دست طرفداران مذاکره با کدخدا ریختند. ایشان در دیدار فرماندهان نیروی هوایی، با کلماتی که باید در تالارهای دیپلماسی ما با طلا حک شود، فرمودند: «مذاکره با آمریکا هیچ تأثیری در رفع مشکلات کشور ندارد؛ این را باید ما درست بفهمیم. این‌جور به ما وانمود نکنند که اگر نشستیم پشت میز مذاکره با آن دولت، فلان مشکل یا فلان مشکل حل می‌شود؛ نخیر، از مذاکره با آمریکا هیچ مشکلی حل نمی‌شود. دلیل: تجربه. ما در دهه ۹۰ نشستیم حدود دو سال با آمریکا مذاکره کردیم - البتّه آمریکا تنها نبود؛ چند کشور دیگر هم بودند، لکن محور آمریکا بود، عمدتاً آمریکا بود - دولت آن روز ما نشست مذاکره کرد، رفتند، آمدند، نشستند، برخاستند، مذاکره کردند، گفت‌وگو کردند، خندیدند، دست دادند، رفاقت کردند، همه کار کردند، یک معاهده‌ای هم تشکیل شد؛ در این معاهده، طرف ایرانی خیلی هم سخاوت به خرج داد، خیلی امتیاز داد به طرف مقابل، امّا همان معاهده را آمریکایی‌ها عمل نکردند؛ همین شخصی که حالا الان سر کار است، این معاهده را پاره کرد؛ گفت پاره می‌کنم و کرد؛ عمل نکردند. قبل از این هم که او بیاید، همانهائی که این معاهده با آنها انجام گرفته بود به معاهده عمل نکردند... با یک چنین دولتی مذاکره نباید کرد؛ مذاکره کردن عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست.» این بیانات، نه یک توصیه اخلاقی، بلکه یک راهبرد دفاعی-امنیتی بود. وقتی دشمن پشت میز مذاکره، بمب می‌گذارد، نشستن دوباره پشت آن میز، نه دیپلماسی، بلکه «تسلیم» است.

**فتنه آمریکایی-صهیونیستی**

دشمن که در میدان نظامی و در «جنگ ۱۲ روزه» نتوانست به اهداف خود برسد، این بار با کارگردانی ترامپ و نتانیاهو در عمارت «مارالاگو»، نقشه آشوب خیابانی را طراحی کرد. اعتراضات مسالمت‌آمیز بازاریان به نوسانات ارز، بهانه‌ای شد تا عوامل موساد و سیا وارد معرکه شوند.

ترامپ با توئیت‌های تحریک‌آمیز خود و وعده اینکه «کمک‌ها در راه است»، عملاً به لیدر اغتشاشگران تبدیل شد. او با این کار برای پادوهای اجاره‌ای و تروریست‌های ترانزیتی «دوپینگ» فراهم کرد تا فاز اعتراضات را به «جنگ خیابانی» و «کودتا» تبدیل کنند.

اما پاسخ مردم در ۲۲ دی‌ماه، تیر خلاصی بود بر پیکر این فتنه. حضور میلیونی مردم نشان داد که ملت ایران، حتی با وجود گلایه‌های معیشتی، هرگز امنیت خود را با لبخند ترامپ معامله نمی‌کنند. این حضور حماسی باعث شد تا سفرای کشورهای غربی در گزارش‌های خود اعتراف کنند: «واقعیت ایران، آن چیزی نیست که در توئیتر ترامپ دیده می‌شود.»

**فریب «آرمادای بزرگ»؛ وقتی قمارباز از چماق شکسته استفاده می‌کند!**

از این رو، دونالد ترامپ، پس از آنکه در «جنگ ۱۲ روزه» طعم تلخ شکست را چشید و دید که پروژه‌ی «کودتای خیابانی»اش در دی‌ماه با سیلی محکم مردم در راهپیمایی ده‌ها میلیونی ۲۲ دی به سنگ خورد، دوباره به همان سیاست نخ‌نمای «مرد دیوانه» روی آورد. او که در میدان نبرد نظامی و امنیتی قافیه را باخته، با ادبیاتی سخیف و هالیوودی، سعی کرد «چماق جنگ» را بر سر ملت ایران بچرخاند تا شاید از نمد تهدید، کلاهی برای میز مذاکره ببافد.

او در اظهاراتش با بزرگ‌نمایی تهوع‌آور از حرکت یک ناوگان عظیم دریایی به سمت آب‌های نیلگون خلیج‌فارس سخن گفته و مدعی شده است:

«یک آرمادای عظیم (Massive Armada) با سرعت، قدرت و هدفمندی بی‌سابقه به سمت ایران در حال حرکت است. این ناوگان که توسط ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن» هدایت می‌شود، مأموریتی دارد که حتی از عملیات ما در ونزوئلا نیز وسیع‌تر و ویرانگرتر خواهد بود.»

اما پشت این هیاهوی تبلیغاتی و حرکت نمایشی ناوها، یک هدف کثیف نهفته است: «ترور روانی ملت ایران». ترامپ می‌خواهد با بالا نگه داشتن این چماق پوسیده، فضای رعب و وحشت ایجاد کند تا مسئولان و مردم را به پذیرش «چهار شرط ذلت‌بار» و انتحاری خود وادار کند. شروطی که در حقیقت، «نقشه راه تجزیه و نابودی ایران» است و پذیرش آن‌ها، سرنوشتی بدتر از لیبی قذافی و سوریه درگیر جنگ داخلی را برای ایران رقم خواهد زد.

**۴ گام برای بلعیدن ایران**

- برچیدن کامل غنی‌سازی اورانیوم: ترامپ با وقاحت تمام می‌گوید ایران نباید حتی یک سانتریفیوژ چرخان داشته باشد. این یعنی دفن کردن دستاوردهای بومی و دانش هسته‌ای که حاصل خون پاک شهدایی چون علی محمدی، شهریاری و فخری‌زاده‌ها است.

- انتقال ذخایر اورانیوم غنی‌شده: شرط دوم آن‌ها که حتی شوخی‌اش هم گزنده و تلخ است، خروج تمامی ذخایر اورانیوم، به‌ویژه ذخایر ۶۰ درصد از خاک ایران است. این یعنی خلع‌سلاح علمی و فنی ایران. آن‌ها می‌خواهند دارایی‌های نقد ایران را به خارج منتقل کنند تا تهران دیگر هیچ اهرم فشاری برای وادار کردن دشمن به انجام تعهداتش نداشته باشد. خروج این ذخایر، به معنای تسلیم محض در برابر زیاده‌خواهی یانکی‌هاست.

- محدودسازی توان موشکی (خلع‌سلاح در برابر گرگ‌ها): آن‌ها به دنبال «تحدید توان موشکی» هستند؛ یعنی دقیقاً همان نقطه‌ای که باعث شده خواب از چشم صهیونیست‌ها ربوده شود. ترامپ می‌خواهد دست‌های دفاعی ایران را ببندد تا رژیم صهیونیستی بدون ترس از پاسخ سخت «سجیل» و «فتاح»، هر زمان که اراده کرد به این مرز و بوم تجاوز کند. خلع‌سلاح موشکی، یعنی دعوت از دشمن برای بمباران تهران.

- قطع حمایت از جبهه مقاومت: در نهایت، ترامپ به دنبال قطع پیوند ایران با حزب‌الله، حماس و انصارالله است. آن‌ها می‌خواهند عمق راهبردی ایران را منهدم کنند تا راه برای بلعیدن کل منطقه توسط رژیم صهیونیستی و تحقق رؤیای «نیل تا فرات» هموار شود. آن‌ها می‌خواهند ایران را در مرزهای جغرافیایی‌اش محبوس کنند تا سپس در زمان مناسب، کار خودِ ایران را هم تمام کنند.

**دست‌ها روی ماشه**

اما پاسخ مسئولان و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به طبل توخالی تهدید نظامی ترامپ چنان قاطع و لرزاننده بود که محاسبات استراتژیک واشنگتن را دچار فروپاشی کرد. اعلام رسمی وضعیت «انگشت‌ها روی ماشه» و تبیین هوشمندانه «جنگ منطقه‌ای» پیامی صریح به اتاق فکرهای پنتاگون بود: هرگونه حماقت، با پاسخی فراتر از مرزها روبه‌رو خواهد شد. رسانه‌های بین‌المللی که پیش از این هیزم‌بیار معرکه بودند، با مشاهده این اقتدار، تغییر لحن داده و از قدرت بلامنازع ایران نوشتند. اسکات ریتر، افسر و بازرس سابق سازمان ملل، در تحلیلی تکان‌دهنده هشدار داد:

«بدون تعارف، ایران پادشاه منطقه است. آن‌ها نه تنها قادرند پایگاه‌های آمریکا را به گورستان سربازان یانکی تبدیل کنند، بلکه توانایی دارند اسرائیل را برای ساکنانش غیرقابل سکونت سازند.» این واقعیت میدانی، لرزه بر اندام متحدان منطقه‌ای آمریکا انداخت. کشورهای میزبان پایگاه‌های نظامی (نظیر عربستان، قطر، بحرین، کویت و امارات) که به خوبی می‌دانند در صورت حماقت ترامپ، نخستین قربانیان آتش‌افروزی او خواهند بود، با وحشت به کاخ سفید پیام دادند که به هیچ عنوان اجازه نخواهند داد از خاک یا فضای هوائی آن‌ها برای کمترین اقدامی علیه ایران استفاده شود. این «ته» بزرگ تاریخی، آرمادای ادعایی ترامپ را در نطفه خفه کرد.

اما حالا که چماق جنگ شکسته، دشمن دوباره به تاکتیک «فریب مذاکراتی» روی آورده تا شاید آنچه را در میدان نبرد به دست نیاورده، پشت میز مذاکره و با غارت اهرم‌های قدرت ایران به چنگ آورد. تا جایی که ترامپ در گفت‌وگو با فاکس نیوز اظهار داشت:

«ایران در حال مذاکره با ماست و باید دید آیا می‌توان به نتیجه‌ای رسید یا نه؛ در غیر این صورت، خواهیم دید چه اتفاقی می‌افتد». اما فارغ از خبرهای ضد و نقیضی که در مورد مذاکره وجود دارد، پاسخ تهران همان است که علی باقری، معاون سیاست خارجی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، با قاطعیت اعلام کرد: «مسئولان ایرانی بنایی بر انتقال مواد غنی‌شده هسته‌ای به هیچ کشوری ندارند و مذاکرات اصلاً حول چنین امری نیست». همچنین اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، با تأکید بر غیرقابل‌مذاکره بودن توان دفاعی، آب پاکی را روی دست بدخواهان ریخت.

**عبور از تله فریب**

بنابراین، مسیر فتنه‌های ترکیبی ترامپ، به بن‌بستی رسیده است که اکنون واشنگتن را ناگزیر از بازگشت به تاکتیک قدیمی «فریب مذاکراتی» کرده است.

بازخوانی وقایع اخیر، از اعترافات تکان‌دهنده ترامپ در مبنی بر مسئولیت مستقیم در حمله به ایران، تا افشاگری‌های وال‌استریت ژورنال درباره ماهیت فریبکارانه مذاکرات، تنها یک حقیقت را عیان می‌کند؛ اینکه دشمن میز مذاکره را نه برای تفاهم، بلکه به عنوان اتاق جنگ و بانک اهداف برای تجاوز خود می‌خواهد. امروز که آرمادای پوشالی ترامپ در سد محکم قدرت موشکی ایران و آمادگی برای «جنگ منطقه‌ای» متوقف شده، دشمن درصدد است شروط ذلت‌باری را که در میدان نبرد و آشوب خیابانی به دست نیاورد، با بزک دیپلماسی به ملت ایران تحمیل کند.

شروط چهارگانه‌ای که هدف نهائی آن نه حل چالش هسته‌ای، بلکه «خلع سلاح کامل ایران» تا راه برای بلعیدن کل منطقه توسط رژیم صهیونیستی هموار شود. تجربه تاریخی و حکمت و درایت رهبر معظم انقلاب، فصل‌الخطاب همه دلسوزان نظام است: «مذاکره با آمریکا عاقلانه، هوشمندانه و شرافتمندانه نیست. دلیل؟ تجربه!» کسانی که هنوز به دنبال گشایش از طریق لبخند ترامپ هستند، باید بدانند که امنیت ملی ایران کالا نیست که بر سر آن چانه زده شود. مواضع قاطع مسئولان مبنی بر حفظ خط قرمزهای هسته‌ای و توان دفاعی، نشان‌دهنده هوشیاری نظام در برابر این تله است.

پاسخ جمهوری اسلامی ایران به این حجم از تهدید و بدعهدی، نه تنها نشستن پشت میز مذاکره نیست، بلکه تقویت مؤلفه‌های قدرت و حفظ وضعیت «دست روی ماشه» است.

عصر «بزن و در رو» به پایان رسیده و هرگونه تهدید از سوی دشمن، با پاسخی هم‌تراز و فراتر از تصور در منشأ تهدید مواجه خواهد شد. امروز پاسخ تهدید، فقط و فقط «تهدید مقتدرانه» است؛ چرا که در منطق استکبار، تنها قدرت است که بازدارندگی می‌آفریند.

## نویسندگان بیانیه موسوی، هنگام فرار از کشور دستگیر شدند

**یک منبع آگاه از بازداشت عناصر اصلی تهیه‌کننده بیانیه منتسب به میرحسین موسوی خبر داد.**

یک منبع آگاه از بازداشت مهدی محمودیان، عبدالله مؤمنی و ویدا ربانی به عنوان عناصر اصلی تهیه‌کننده بیانیه منتسب به میرحسین موسوی خبر داد. به‌گفتهٔ این منبع، این افراد در حالی که در یک خانه مشترک مستقر بوده و در حال برنامه‌ریزی برای خروج از کشور بودند، بازداشت شدند. این منبع آگاه اعلام کرد که افراد یادشده همزمان با آغاز جنگ ۱۲ روزه و نیز شروع اغتشاشات دی‌ماه، با هدف بی‌ثبات‌سازی، اقدام به صدور بیانیه‌ای در چارچوب اهداف رژیم صهیونیستی کرده بودند. براساس این گزارش، مهدی محمودیان و حسین رزاق پیش از این، خانواده‌های خود را در راستای مأموریت محوله به آلمان منتقل کرده بودند. به‌گفتهٔ منبع آگاه، این افراد از طریق دبیر گروه موسوم به شورای گذار و همچنین عبدالله مهتدی، دبیرکل گروهک تجزیه‌طلب تروریستی کومله، با رژیم صهیونیستی در ارتباط بوده‌اند.

این منبع افزود که مهتدی مبالغ قابل توجهی از رژیم صهیونیستی دریافت کرده و آن را میان معارضان جمهوری اسلامی ایران، از جمله شورای گذار و برخی از امضاکنندگان بیانیه مذکور، توزیع کرده است. همچنین هزینه استقرار حسین رزاق و خانواده‌اش و خانواده محمودیان، از محل بودجه پرداختی رژیم صهیونیستی تأمین شده است. به‌گفتهٔ این منبع، گروه‌های ضدانقلاب بر این تصور بودند که همزمان با حملهٔ رژیم صهیونیستی در جریان جنگ ۱۲ روزه، قرار بوده است دولتی موسوم به «دولت موقت در تبعید» در آلمان و به سرکردگی رضا پهلوی تشکیل شود. او افزود که طبق تماس نماینده یکی از سرویس‌های اطلاعاتی با اردشیر امیرارجمند مشاور میرحسین موسوی، برای او نقش «نخست‌وزیر دولت موقت در تبعید» در نظر گرفته شده بود. این منبع آگاه ادامه داد که با حمله متقابل جمهوری اسلامی ایران و وارد آمدن ضربات به رژیم صهیونیستی، این سناریو محقق نشد و امیرارجمند از دستیابی به این جایگاه ادعایی بازماند. در ادامهٔ این گزارش آمده که اردشیر امیرارجمند از طریق برادر خود با سازمان منافقین و سرویس اطلاعاتی فرانسه در ارتباط است و بیانیه اخیر منتشرشده به نام میرحسین موسوی، توسط او نوشته شده است.

## ملت‌ها برخاسته‌اند جنگ منطقه‌ای، کابوس محاسبات آمریکا

**منطقه‌ای شدن جنگ ایران و آمریکا پیامد مهمی برای آمریکا دارد که توسط ملت‌های منطقه محقق خواهد شد. انقلاب اسلامی با تبدیل مقاومت به یک پدیده فراملی، نشان داده اگر آمریکا به جنگ با ایران روی آورد، این‌بار تنها با یک کشور طرف نیست؛ با امت‌ها روبه‌روست.**

اینکه رهبر انقلاب در سخنرانی روز یکشنبه خود (۱۲ بهمن ۱۴۰۴) فرمودند «آمریکایی‌ها بدانند که اگر این دفعه جنگ راه بیندازند، این جنگ، جنگ منطقه‌ای خواهد بود»؛ بر این اساس است که بازیگران این جنگ تنها به آمریکا و ایران محدود نخواهد شد و به انحای گوناگون و قابل پیش‌بینی، کشورهای منطقه، گروه‌های مقاومت و ملت‌های منطقه از تبعات و پیامدهای محتمل این جنگ متأثر خواهند شد و باز شدن پای این بازیگران به جنگ در منطقه وضعیت پیچیده‌ای را در پیش‌رو ترسیم می‌کند. روایت خود را درباره ترسیم این وضعیت از نقطه‌ای آغاز می‌کنیم که ایالات متحده آمریکا به عنوان دشمن انقلاب اسلامی ایران و حامی اسرائیل در برابر ملت‌های مسلمان و تحت ظلم منطقه آسیای غربی، سال‌هاست بر اساس خوی توسعه‌طلبی و جهانخواری، حضور خود را با احداث پایگاه‌های نظامی در خاک کشورهای منطقه که بسیاری از آنها همسایگان ایران هستند گسترده است تا به بهانه فروش امنیت به این کشورها ضمن پیگیری اهداف استعماری و استکباری خود در منطقه، درواقع امنیت رژیم صهیونیستی را به عنوان دشمن آشکار ملت ایران تأمین کند و در مواقع لزوم مثل جنگ ۱۲ روزه، تجاوز نیابتی اسرائیل را علیه ایران و دیگر کشورهای منطقه مورد حمایت قرار دهد و از موجودیت این رژیم غاصب حمایت کند.

در چنین شرایطی جمهوری اسلامی در واکنشی طبیعی و منطقی، با هدف حفظ ایران، قابلیت‌های دفاعی خود را متناسب با تهدیدات ارتقا و توسعه داده و ضمن احترام به تمامیت ارضی همسایگان و ملزم دانستن خود به رعایت اصول حسن همجواری با آنها صراحتا اعلام کرده است که چنانچه آمریکا جنگی را علیه ایران آغاز کند، پایگاه‌ها و تجهیزات نظامی ایالات متحده در خاک این همسایگان به عنوان مراکز توطئه و عملیات آمریکا، هدف مشروع نیروهای مسلح ملت ایران خواهند بود. این تهدید از سوی جمهوری اسلامی برای کشورهایی که میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکایی در منطقه هستند تهدیدی معتبر است، چرا که ایران در واکنش به اقدام تروریستی دولت آمریکا در به شهادت رساندن شهید حاج قاسم سلیمانی در عراق و همچنین در واکنش به حمله نظامی آمریکا به ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه با هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکایی عین‌الاسد و العدید در عراق و قطر نشان داده است که این تهدید، تهدیدی توخالی نیست و ایران مصمم و قادر به این کار است. به گزارش تسنیم، از این‌رو، این روزها پرتلاش‌ترین کشورها برای جلوگیری از جنگ‌افروزی آمریکا علیه ایران و سوق دادن دو کشور به گفت‌وگو و توافق، کشورهای میزبان پایگاه‌های آمریکایی هستند.

این کشورها اینک با این حقیقت روبه‌رو هستند که وقتی آمریکا از پایگاه‌ها و تجهیزات نظامی مستقر در خاک آنها علیه کشور قدرتمندی مانند ایران که جرأت پاسخگویی به هر تهدید خارجی را دارد، استفاده کند